

## مادرانه‌های دفاع مقدس

**حوض خون** روایت جان‌فشانی و ایثار زنان اندیمشکی در جنگ تحمیلی است



تیر ۹۴ مصاحبه برای تاریخ شفاهی را رسماً شروع می‌کند. زهرا بختور، سمانه نیکدل، سمیه تتر، نسرين تتر، مهناز الفتی‌پور، آمنه لهراسبی و نرگس میردورقی، فاطمه‌سادات میرعالی را در تحقیق و گردآوری خاطرات زنان اندیمشکی همراهی کرده‌اند. در بخش ضمیمه کتاب، تصویر راویان به همراه تصاویری از فعالیت‌های این بانوان اندیمشکی در دفاع مقدس، شهدای منتسب به آن‌ها و هم‌چنین بیمارستان شهید کلانتری اندیمشک به‌عنوان محل رخت‌شویی البسه رزمندگان آمده است.

اندیمشک شهری بود که دشمن تا ۱۵ کیلومتری مرکز شهر رسیده بود و مردم شهر در همان روزهای اول با جنگ درگیر می‌شوند. با این حال بسیاری از بانوان در این شهر می‌مانند و کار پشتیبانی و کمک‌رسانی به رزمندگان را به جملۀ بافندگی، نان پختن، شست‌وشوی لباس‌ها، امدادگری و غیره را برعهده می‌گیرند. هم‌چنین در روزهای اول جنگ که هنوز بیمارستان جدید راه نیفتاده بود، بانوان اندیمشکی به‌صورت داوطلب در بیمارستان‌های صحرایی حضور می‌یافتند و از شست‌وشوی لباس تا امدادگری و بسیاری از فعالیت‌های دیگر را برعهده می‌گرفتند. حتی زمانی که بیمارستان شهید کلانتری در سال ۱۳۶۰ راه‌اندازی می‌شود با این که زمین آن‌جا هنوز خاکی بود، اما بانوان روی همین زمین‌ها، لباس‌های رزمندگان را می‌شستند و بعد از مدتی کم‌کم برای آن‌ها رخت‌شوی خانه درست می‌کنند.

«حوض خون» خاطرات روزهای اول جنگ تحمیلی تا دو سال پس از آن را دربر می‌گیرد. خاطرات تقریباً طولانی هستند، زیرا غیر از خاطرات مربوط به رخت‌شویی، باید موقعیت آن‌ها به‌صورت کامل شرح داده می‌شده است. مثلاً خانمی که در حال شستن لباس رزمندگان است، ناگهان صدای آژیر می‌شنود و می‌بیند از شهر دود به آسمان می‌رود، این

این روایت‌ها، داستان زنان اندیمشکی است که در دل آتش و با وجود شرایطی به‌شدت سخت، به‌جای مهاجرت در شهر ماندند و لباس رزمندگان را می‌شستند. روایت زنان رخت‌شوی اندیمشکی که به تفصیل در کتاب «حوض خون» آمده است.

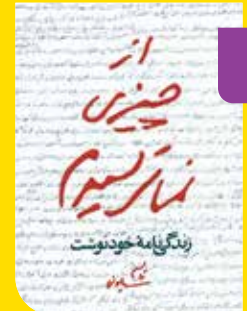
### حماسه زنان اندیمشکی

«حوض خون» روایتی برخاسته از دوران جنگ است، از سال‌هایی که اندیمشک گلوگاه نظامی مهمی در خطه خوزستان بود. ماجرای زنانی که به هیچ قیمتی حاضر به ترک دیار خود نشدند؛ مانند به پشتیبانی مردانی که با کم‌ترین امکانات بعضی‌ها را عقب راندند. فاطمه سادات میرعالی در این کتاب به ثبت بخشی از تاریخ شفاهی زادگاه خود پرداخته و ناگفته‌های بسیاری از زنان رخت‌شوی خانه بیمارستان کلانتری را با مخاطب درمیان گذاشته است. زنانی که فراتر از حد انتظار، منشأ فعالیت‌های بسیاری شدند و بی‌هیچ چشم‌داشتی سهمی بسزا در حفظ آب و خاک کشورمان ایفا کردند. اندیمشک شهری است که در عرصه جهانی سابقه طولانی‌ترین بمباران مداوم هوایی، بعد از جنگ جهانی دوم به تاریخ آن گره خورده است. «حوض خون» را نشر «راه‌یار» روانه کتاب‌فروشی‌ها کرده و توانسته توجه اهالی ادبیات و حاضران در دفاع مقدس را به خود جلب کند.

«حوض خون» که حاصل هم‌کاری دفتر تاریخ شفاهی اندیمشک و واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است، خاطرات و روایت‌های ۶۴ تن از بانوان اندیمشکی درباره فعالیت‌شان در بخش رخت‌شویی البسه رزمندگان دفاع مقدس را شامل می‌شود. فاطمه سادات میرعالی که متولد و بزرگ‌شده شهر اندیمشک است کار پژوهشی «حوض خون» را از سال ۹۳ در اندیمشک شروع کرد و هم‌زمان با آموزش، کارهای پژوهشی میدانی نیز داشته و از

زنان در تاریخ تمدنی ایران نقش به‌شدت مؤثری داشته‌اند. در مشروطه، مبارزات علیه طاغوت، اثرگذاری در پیروزی انقلاب و نصرت‌های بی‌شمار دفاع مقدس زنان اثرات اصلی و بسزایی داشته‌اند. از نقش همسری، مادری و حفظ و تشکیل بنیاد خانواده و تربیت فرزند مجاهد و مبارز تا حضور عینی و علنی خود در نقاط حساس دفاع مقدس چه در رزم جنگی و چه پوشش پشت خط مقدم، همه و همه اثر مهمی در پیش‌برد اهداف نظامی و فرهنگی در دوران دفاع مقدس بوده است که زنان ایرانی به‌خوبی این جایگاه و نقش را بارها و بارها در دفاع مقدس و پس از آن نیز به رخ کشیده و ثابت کرده‌اند. زنانی که در جایگاه همسری، مادری و وجوه اجتماعی خوش درخشیدند و پا به پای مردان در عرصه‌های مختلف اثرگذار بوده‌اند و این نمود در جنگ تحمیلی پشت جبهه‌ها عیان‌تر بود. زنانی که به‌صورت تخصصی و با داوطلبانه به امدادگری، پرستاری، تدارک و آماده‌سازی بسته‌های آذوقه و الزامات رزمندگان، شستن لباس‌ها و همه نوع کار خدماتی، فرهنگی و امدادی در شهرهای نزدیک خط مقدم و سایر شهرها می‌پرداختند. حتی در برخی مواقع در نزدیک‌ترین نقطه جنگی کمک نظامی به مردان می‌دادند. در میان همه این شخصیت‌ها زنان رخت‌شور جالب توجه است. خانم‌هایی در یک قدمی خط مقدم و برخی گاه دورتر به شستن، خشک‌شویی و اتو زدن لباس جنگی رزمندگان مشغول بودند و در حین این کار با مخاطرات، اتفاقات و صحنه‌های جالب و عجیبی هم مواجه می‌شدند. کتاب حوض خون روایت‌گر این گروه از زنان است. روایت این زنان بسیار است که یا راویان آن به خاطر نیت الهی که داشتند در تمام این سال‌ها از گفتن و بیان سکوت و خودداری کردند و یا غفلت مدیران، ذری‌بطان و برخی دغدغه‌مندان بومی و ملی در عدم شرح آن مؤثر بوده است. یکی از

### از چیزی نمی‌ترسیدم



■ زندگی‌نامه  
خودنوشت حاج قاسم  
سلیمانی  
■ مکتب حاج قاسم  
■ ۱۳۶ صفحه  
■ ۲۶ هزار تومان

این کتاب که مزین به یادداشت رهبر معظم انقلاب شده است نخستین اثر چاپ شده توسط انتشارات «مکتب حاج قاسم» محسوب می‌شود و شامل دست‌نوشته‌های شخصی شهید سلیمانی از دوران کودکی و زندگی در روستای قنات ملک کرمان تا میانه مبارزات انقلابی در سال ۵۷ است. «از چیزی نمی‌ترسیدم» زندگی‌نامه‌ای است که حاج قاسم با دست مجروحش نوشته است؛ شرح زندگی مردی از دل روستایی دورافتاده در کرمان که چند دوره از زندگی ساده و گیرای خودش را روایت کرده است.

### ما هم جنگیدیم



■ محقق:  
محمد مهدی رحیمی  
■ تدوین:  
نرجس توکلی لشکاجانی  
■ ۲۱۶ صفحه / ۴۵ هزار  
تومان

خاطراتی واقعی از زنان یک روستا که با مدیریت «شمسی خانم» اتفاق زیبایی را در جنگ تحمیلی رقم زدند؛ اتفاقی که نه می‌شود آن را با هزینه‌های کلان دولتی به دست آورد و نه زور و اجبار. «شمسی خانم» که خانه‌اش را کلاس قرآن کرده بود، با شروع انقلاب، اولین راهپیمایی «ملارد» را شکل داد و در دوران جنگ هم با مدیریت او، روستا یکی از مراکز مهم پشتیبانی جنگ شد.

### پرده دوم



■ تحقیق: نوید ظریف  
کریمی، محمد باقری  
■ تدوین: نوید ظریف  
کریمی  
■ ۲۹۶ صفحه / ۴۰ هزار  
تومان

محمد رضا شرکت توتونچی، از مبارزان و زندانیان سیاسی دوران پهلوی است که در تهران و مشهد فعالیت‌های انقلابی داشته و دو بار هم در دوران طاغوت به زندان افتاده است. این کتاب، روایت‌ها و خاطرات «عزت‌شاهی» مشهد از سال‌های مبارزه و انقلاب است.